



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۱/۲۷

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

## تصادم دیموکراسی ها و اتوکراسیها

(قسمت بیست پنجم)

آینده دیموکراسیها

بخش چهارم

### فصل نهم

#### اختلالات اجتماعی – روانی اخیر

اول : فرقه ها و فرقه گرایی ها

در انگلیسی مدرن، اصطلاح "فرقه" به عنوان یک گروه اجتماعی «غیر متعارف / غیر معمول» تعریف شده است: (۱) گروه مذهبی، (۲) گروه روحانی، (۳) گروهی با اعتقادات فلسفی، و (۴) گروهی که در مورد یک شخصیت، شی یا هدفی علاقمندی مشترک داشته باشد. در مطالعات جامعه شناسی اکادمیک که در دهه ۱۹۳۰ آغاز شد فرقه گرایی موضوع مورد مطالعه جامعه شناسی در زمینه رفتار دینی شد. [۱]، [۲] «مکس ویبر» (۱۹۲۰ - ۱۸۶۴) معتقد بود که که اکثراً شالوده و اساس فرقه های متکی به رهبریت «کرز ماتیک» است. [۳] دو سال بعد طبقه بندی جامعه شناسانه آن توسط جامعه

<sup>1</sup> - "cult". *Oxford English Dictionary* (Online ed.). Oxford University Press. (Subscription or participating institution membership required.) - "2.a. A particular form or system of religious worship or veneration, esp. as expressed in ceremony or ritual directed towards a specified figure or object."

<sup>2</sup> - Weber, Max. [1922] 1947. "The Nature of Charismatic Authority and its Routinization." Ch. 4§10

<sup>3</sup> - Weber, Max. [1922] 1947. "The Nature of Charismatic Authority and its Routinization." Ch. 4§10 in *Theory of Social and Economic Organization*, translated by A. R. Anderson and T. Parsons. Available in its original German Richardson, James T. 1993. "Definitions of Cult: From Sociological-Technical to Popular-Negative." *Review of Religious Research* 34(4):348-56. doi:10.2307/3511972

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

شناس امریکایی «هوارد پ. بکر»<sup>[4]</sup> صورت گرفت. [5] عالم الهیات «ارنست ترولخ»<sup>[6]</sup> سه نوع فرقه را می شناسد: (۱) کلیسای، (۲) سکتاریست یا وابسته به فرقه، (۳) عرفانی. ولی «هوارد بکر» فرقه را گروه های مذهبی کوچکی توصیف می کند که فاقد ساختار سازماندهی هستند و تأکید بر خصوصیات و باور های شخصی دارد که گاهی اوقات شکل یک گروه مذهبی منحرف را بخود اختیار میکند. [7]، [8] «جان لو لند»<sup>[9]</sup> به کلیسای «وحدت یانگ سن کیم»<sup>[10]</sup> کوریای جنوبی پیوست و دست به مطالعه زد و بعد در نیزس دکترین خود در سال ۱۹۶۴ در مورد آنها به عنوان: ناجیان جهان: مطالعه عملی پروسه های فرقه، یاد کرد. [11] [12] جامعه شناس «روی والس» (۱۹۹۰ - ۱۹۴۵) فرقه را به عنوان یک «فرد گرایی معرفت شناسی»<sup>[13]</sup> توصیف می کند. وی معتقد است که فرقه ها از «محیط فرقه» سرچشمه می گیرد. [14] «بروس کمپبل» دو نوع را به عنوان فرقه یکی فرقه غیبی یا پنهانی و دیگری میتافیزیکی مورد بحث قرار می دهد. [15] بسیاری از ما و شما با «فرقه های مخرب» و گروه های فرعی فرقه ها مانند «معبد مردمی» «جیم جونز»<sup>[16]</sup> آشنا هستیم. روان شناس «مایکل لانگن» مدیر اجرایی ضد فرقه (انجمن بین المللی مطالعات فرقه)، یک فرقه ویرانگر را چنین توصیف می کند: «یک گروه به شدت دغل کار که از اعضای خود سوء استفاده می کند، آنها را استثمار می کنند و گاهی از نظر جسمانی و / یا روانی به اعضای و گماشتگان خود آسیب میرساند». «بنجامین زابلوکی» از پوهنتون «راتگرز»<sup>[17]</sup> فرقه های مخربی را توصیف می کند که برای اعضای خود توهین آمیز میشوند که تا حدودی به دلیل تجمید اعضا از رهبران کارزماتیک است و به فاسد شدن رهبر توسط قدرت، کمک می کند. [18] «کرنبورگ» می گوید که برخی از گروه های فرقه ها خطرناک استند مثلاً به اعضای خود آموزش می دهند که از مواظبت های منظم صحی استفاده نه کنند که این امر

4 - Howard P. Becker

5 - Campbell, Colin (1998). "Cult". In William H. Swatos Jr. (ed.). *Encyclopedia of Religion and Society*. Walnut Creek, CA: AltaMira. pp. 122–23. ISBN 978-0-7619-8956-1

6 - Ernst Troeltsch

7 - Swatos, William H., ed. "Conversion" and "Unification Church" in *Encyclopedia of Religion and Society*. Hartford, CT: AltaMira Press. ISBN 978-0-7619-8956-1. Archived from the original on 21 January 2012 (Conversion) and 13 January 2012.

8 - Galanter, Marc, ed. 1989. *Cults and New Religious Movements: A Report of the Committee on Psychiatry and Religion of the American Psychiatric Association*. American Psychiatric Association. ISBN 0-89042-212-5.

9 - John Lowland

10 - South Korean Young Son Kim' Unification Church

11 - "The World Savers: A Field Study of Cult Processes".

12 - Chryssides, George D. [1999] 2001. *Exploring New Religions (Issues in Contemporary Religion)*. Continuum International Publishing Group. ISBN 978-0-8264-5959-6.

13 - "epistemological individualism"

14 - Wallis, Roy. 1975. "Scientology: Therapeutic Cult to Religious Sect." *British Sociological Association* 9(1):89– 100. doi:10.1177/003803857500900105.

15 - Campbell, Bruce. 1978. "A Typology of Cults." *Sociology Analysis*. Santa Barbara.

16 - *Jim Jones's People Temple*

17 - Benjamin Zablocki of Rutgers University

18 - Zablocki, Benjamin. 31 May 1997. "A Sociological Theory of Cults" (paper). *Annual meeting of the American Family Foundation*. Philadelphia. "Archived copy". Archived from the original on 8 March 2005. Retrieved 29 March 2005.

قدرت آنها را فراتر از آسیب های فیزیکی و روانی، گسترش می دهد.<sup>[19]</sup> به گفته «بارت» در فرقه های مخرب رایج ترین اتهام، سوء استفاده جنسی است! جالب است که این به اصطلاح فرقه ها معتقد به روز قیامت آخرالزمان و هزارسالگی گرایی<sup>[20]</sup> هم اند که هر دو گروه فاجعه را پیش بینی میکنند و حتی گروه های استند که تلاش دارند آنها را بیاورند! البته که فرقه های اقدامات سیاسی و ایدئولوژیک های سیاسی هم وجود دارند که بنام «فرقه های سیاسی» یاد میشوند و عمدتاً از برنامه های چپ افراطی یا راست افراطی حمایت می کنند.<sup>[21]</sup>،<sup>[22]</sup> تعدادی از سازمان ها یا انجمن های گروهی وجود دارند که ممکن است به فرقه آنقدر نزدیک باشند که فرقه نامیده شوند مثلاً «انستیتیوت آین راند»<sup>[23]</sup> که «روتبارد»<sup>[24]</sup> مدعی است که انستیتیوت مزبور به شیوه یک سازمان «لنیستی» سازماندهی شده است؛ همچنین کسانی مانند جنبش «لیندون لاروش»<sup>[25]</sup> که چندین بار خواستار نامزدی ریاست جمهوری شدند و سازمان وی توسط نیویورک تایمز یک فرقه نامیده شد.<sup>[26]</sup>

## سایکولوژی فرقه گرایی

### رهبر فرقه

الف: روان شناس درمانگر بازیابی - فرقه، «راشل برنشتاین»<sup>[27]</sup> که اعضای سابق «ساینتولوژی»<sup>[28]</sup> و «NXIVM» را درمان کرده بود می نویسد که سه نوع رهبر فرقه وجود دارد: (۱) روان پریش/سایکوسیس، (۲) شخصیت خود شیفته، (۳) اکثراً ترکیبی از هر دو اند.

ب: کرزما<sup>[29]</sup>: رهبر فرقه اغلب شخصیت بسیار کرزماتیک<sup>[30]</sup> دارد که جذابیت قانع کننده ای را به کار می گیرد که الهام بخش در دیگران است و باعث میشود پیروان آنها محبوب و مقبول باشند.

19 - Zablocki, Benjamin. 31 May 1997. "A Sociological Theory of Cults" (paper). *Annual meeting of the American Family Foundation*. Philadelphia. "Archived copy". Archived from the original on 8 March 2005. Retrieved 29 March 2005.

20 - Millenarianism

21 - Tourish, Dennis. 1998. "Ideological Intransigence, Democratic Centralism and Cultism: A Case Study from the Political Left." *Cultic Studies Journal* 15:33-67.

22 - Tourish, Dennis. [1998] 2003. "Introduction to 'Ideological Intransigence, Democratic Centralism and Cultism'." *What Next?* 27. ISSN 1479-4322.

23 - Ayn Rand Institute

24 - Rothbard

25 - Lyndon LaRouche movement

26 - Bennett, David Harry (1988). *The party of fear: from nativist movements to the New Right in American history*. UNC Press Books. p. 362. ISBN 978-0-8078-1772-8.

27 - psychologist cult-recovery therapist, Rachel Bernstein

28 - Scientology

29 - Charisma

30 - charismatic

ج: تاکتیک های مغز شویی: رهبران فرقه، در "زندان" فرقه به دور از آزاد اندیشی، از تاکتیک های مغز شویی بخاطر جذب و حفظ پیروان خود استفاده می کنند.

ی: رفتار اعضای فرقه:

۱: این گروه بدور یک رهبر فعال و زنده جمع، و اعضای گروه تعهد بی چون و چرای بیش از حد و علاقمندی و اشتیاق فراوان را از خود متباز می سازند؛ آنها مصروف آوردن اعضای جدید استند؛ گروه مصروف پول در آوردن یا پول سازی است؛ در داخل گروه از شک و مخالفت جلوگیری و حتی مجازات میشود.

۲: تعهد مشترک بیک رهبر کرزماتیک و یا ایدیولوژی

۳: اعتقاد به دکتورین یا آموزه ای که پاسخی برای همه سؤالات زندگی دارند،

۴: تمام مشکلات با پیروی از احکام رهبر قابل حل است.

۵: اعضای فرقه با تحسین بی چون و چرای شان، با رهبر، هم- ذات پنداری می کنند،

۶: اعضای فرقه ممکن است به راحتی مرتکب اعمال غیرقانونی و خطرناک شوند.

۷: اعضای فرقه بر این باورند که ایدیولوژی و اعمال رهبر فرقه درست مثل قانون، یک حقیقت است.

۸: اعضای فرقه مصروف تغییر ذهن استند، طور مثال شعار دادن، محکوم کردن جلسات یا ضعیف ساختن روال عادی کار.

۹: اکثریت اعضای فرقه به طور ناخود آگاه نخبه گرا استند و برای خود و رهبر شان جایگاه والایی قابل اند تا مسیحای شان باشد، درست مانند یک «اوتار»<sup>31</sup>

۱۰: این گروه با ذهنیت قطبی شده «خود» را مانند «ما» می بیند.

۱۱: این گروه به این باور است که اهداف شاد شان هر وسیله را که لازم بداند توجیه می کند؛ از جمله دروغ گفتن به خانواده یا دوستان یا جمع آوری پول برای خیریه های جعلی.

---

31 - avatar: در سانسکریت: अवतार «اوه تاره» یا avatāra یک مفهوم اعتقادی در هندویسم است که معنی تحت اللفظی آن به معنی «نزول» است و منظور آن نزول رب النوع در تجسم مادی به روی زمین است. لغت مترادف به آن «پیاپی شده» است و اکثراً در خطاب به گورو هم گفته میشود. - م

۱۲: رهبری برای کنترل بالای فرقه در میان اعضا احساس ناامنی، شرم یا گناه را از طریق اعمال فشار بوسیله همسالان و اشکال ظریف متقاعد ساختن شان، ایجاد می‌کند.

۱۳: گروه اغلب بر اعضا فشار می‌آورد تا روابط شان را با خانواده و دوستان قطع کنند.

۱۴: اعضا تشویق می‌شوند که تنها با اعضای گروه زندگی و معاشرت کنند.

۱۵: این گروه بر این باور است که راه دیگری برای «بودن» وجود ندارد، اعضای گروه می‌ترسند که اگر گروه را ترک کنند و یا به فکر ترک کردن شوند، خود شان و خانواده شان با انتقام روبرو میشوند.

### سوم: معلومات بیشتر در باره فرقه و فرقه گرایی

این قلم معتقد است که در باره این اختلال اجتماعی به معلومات بیشتر نیاز است تا چنین سیستم های ناباور پیچیده قرن بیست و یکم را بهتر بشناسیم، سیستم های که آینده بشر را از هر لحاظ به چلنج کشیده است. علاوه بر آن اثرات سیل آسای معلومات جهان دیجیتال و معلومات نادرست تحیر آور میشوند.

آئین های معنوی یا مذهبی گروهی، از همان بدو زندگی قبیلوی، جزء ذاتی جوامع بشری بوده اند. بنابر این می‌خواهم توجه تانرا به مقاله کوتاهی که توسط «لویس هیوز»<sup>[32]</sup> کشیش دومینیکن و سرپرست کلیسا که در این اواخر به مناسبت افتتاح کالج تخنیکی ساحوی «تالاگت، دوبلین آیرلند»<sup>[33]</sup> نوشته است جلب نمایم.

وی می‌گوید، «در این مقاله می‌خواهم استدلال کنم که فرقه ها و فرقه گرایی ارتباط چندانی با تعلیمات رسمی یا فلسفه هر گروه یا جنبش خاصی ندارند. چیزیکه یک فرقه را می‌سازد پروسه های غیر اخلاقی کنترل ذهن است که در همه آنها مشترک است». وی ادامه می‌دهد، «در حالی که اینها تمرکز اصلی این مقاله است، فرقه های سایکولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و عصر جدید هم وجود دارند که زندگی اعضای خود را با بی رحمی کنترل می‌کنند. طی بیست سال گذشته و در هر کشوری در غرب فرقه های با هر توصیفی موفق شده اند که اشخاص هوشیار بانگیزه و بزرگسالانی را که تحصیلات عالی دارند بخود جذب نمایند».

**الف:** چند سال قبل، مؤسس IHOP «مایک»، به نکات ذیل در مورد فرقه ها اشاره کرده است:

۱: آنها با تفکر انتقادی مخالف اند

۲: اعضا را منزوی و بخاطر ترک فرقه مجازات می‌نمایند

<sup>32</sup> - Louis Hughes

<sup>33</sup> - Regional Technical College Tallaght, Dublin, Ireland

۳: بر دکتورین یا تعالیم خاص خارج از کتاب مقدس تأکید می کنند

۴: به دنبال وفاداری نامناسب به رهبران خود اند

۵: واحد خانواده را محترم نه نمی شمارند

۶: عبور از مرز های رفتاری در کتاب مقدس (در مقابل معصومیت و پاکی جنسی و مالکیت شخصی)

۷: جدایی از کلیسا (اتلانیتیک، اثر از : بوز هرینگتن) [34]

### ب: برخی دیگر از نشانه های و اعمال فرقه ها

توسط «مت سلیک» [35] | ششم اپریل ۲۰۱۴ | سوالات، ادیان

مطالعات جدی در باره دینامیک یا پویایی فرقه ها و رفتار افراد درون آن فرقه ها انجام شده است. در ذیل فهرست مُعرف از خصوصیات رایج در گروه های فرقه آورده شده است. این گونه نیست که تمام فرقه به همه موارد ذکر شده ذیل پایند باشند: (۱) تسلیمی، (۲) انحصار، (۳) مجتمع آزار و اذیت، (۴) کنترل، (۵) انزوا، (۶) بمباردمان عشق، (۷) دانش خاص، (۸) تلقین، (۹) رستگاری، (۱۰) فکر گروهی، (۱۱) ناهماهنگی ادراکی، غیر منطقی، انکار حقایق، (۱۲) اجتناب یا اخراج، (۱۳) نقش جنسیت، (۱۴) ستندرد های ظاهری «یکنواختی در لباس و ظاهر جسمی»

### ج : سایکولوژی فرقه گرایی :

«داکتر بارکر» [36] با داشتن سالها تجربه در بخش عاجل منحیث طبیب، اخیراً دوره «ریزدنسی» [37] یا دستیاری طبابت را در بخش روان درمانی در شفاخانه دولتی «کامریلو در کالیفورنیا» [38] به پایان رسانده است. این مقاله که از سخنرانی موصوف به په پرسونل طبی تهیه شده، قابل شنیدن است.

فرقه ها پدیده های تازه نیستند: عمر آنها ممکن است برابر با عمر آدم – و یا حتی گله های حیوانات باشد. فرقه ها ممکن است به دور یک فرد، یک شی یا یک حیوان و یا یک مفهوم شکل بگیرند. اعضای فرقه ها همواره قدرت جادویی را به «هدف» پرستش خود نسبت می دهند – قدرتی که بخاطر حفاظت اعضای فرقه در برابر ارواح شیطانی، شیطان، بلایای طبیعی، ورشکستگی، مریضی و یا هر چیز دیگر محیط را اداره و تحت کنترل کند. «داکتر بارکر» عناصر خیلی مهمی

34 - (*The Atlantic by Bose Herrington*)

35 - Matt Slick

36 - Dr. Barker

37 - residency

38 - Camarillo State Hospital in California

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

را بطور گسترده مورد بحث قرار میدهد که در اکثریت فرقه ها نفوذ می کنند. این عناصر عبارتند از: (۱) ریشه وابستگی [39] مانند وابستگی دوران نوزادی، اثر آدلر (۲) عصر تخصص: شگفتی های تکنالوژی اتکاء به خود و استقلالیت را به هم می زند. (۳) فرقه مواد مخدره، (۴) مکتب مانند مذهب، همانطوری که روانشناسی فرقه گرایی روابط والدین / طفل را حفظ می کند. (۵) تأکید بر آزادی عبادت؛ و می گویند اولین اصلاحیه قانون اساسی چیزی است که از رویای پدران بنیانگذار باقی مانده است و نباید با سهل انگاری کنار گذاشته شود. [40] (۶) عدول از اصول اساسی آزادی و می گویند که بنیاد این ملت بر اساس اصول اخلاق دینی یهودی - مسیحی گذاشته شده است: " اکنون در مکاتب ما نماز نیست، اتحادیه نیست، معلمان سوسیالیست «اذهان-م» جوانان ما را با حيله و خیانت پروگرام می کنند."

**سوم: فوگ تجزیوی [41] (فوگ روان زا [42])**

DSM-5 به فوگ تجزیوی به عنوان حالت "سرگردانی گیج" اشاره می کند؛ فوگ تجزیوی یک مریضی نادر است که با تخمین کمتر از صفر اعشاریه دو فیصد نفوس عمومی دیده شده است. ناهمبستگی بصورت عام منحنی یک میکانیسم دفاعی در برابر «ترما» در نظر گرفته میشود و به افرادی کمک می کند که از پریشانی روانی شدید که ممکن است یک فراموشی مؤقت یا دائمی باشد جدا شوند. حالت فوگ تجزیوی وضعیتی است که در آن فرد ممکن است از نظر ذهنی و فیزیکی از محیطی که تهدید آمیز یا غیر قابل تحمل است فرار کند. علائم آن عبارتند از:

- سردرگمی دوامدار در مورد هویت
- سردرگمی دوامدار در مورد گذشته
- اینکه اعتقادات خود را به چلنج بکشاند امتناع می کند بخصوص در مورد اینکه چی کسی هستند

**الف: علل**

فوگ های تجزیوی با رویداد های دشواری همراه هستند مانند آفات طبیعی و جنگ و همچنین مشکلات شدید زنا شوهری یا مالی، سوء استفاده از الکل، افسردگی و داشتن سابقه که در کودکی مورد آزار و اذیت و فرار گرفته اند.

**ب: تداوی**

39 - Cf. S. Ferenczi, "Stages in the Development of the Sense of Reality," *Outline of Psychoanalysis*, by J. S. Van Tessler, page 112.

40 - Ashok Rao, M.D., and Jennifer A. Katze, M.D., "The Role of Religious Belief in a Depressed Patient's Illness," *Psychiatric Opinion*, June, 1979, pp. 39-43.

41 - Dissociative Fugue: کلمه فوگ از کلمه لاتین flight "پرواز" گرفته شده است. افراد مبتلا به فوگ تجزیوی بطور مؤقت حس هویت شخصی خود را از دست می دهند و بطور خود انگیزه و فی البدیهه سرگردان میشوند یا از خانه یا محل کار خود دور میشوند. آنها در اغلب موارد اینکه چه کسی هستند گیج میشوند و حتی ممکن است هویت جدیدی برای خود ایجاد کنند. م

42 - Psychogenic Fugue: فوگ تجزیوی (فوگ روان زا، یا حالت فوگ) حالتی است که شخص با ناتوانی در یاد آوری بخشی یا تمام گذشته خود یک سفر ناگهانی و غیر منتظره به دور از خانه از خود نشان می دهد و معمولاً با سترس های شدید روانی - اجتماعی همراه می باشد. - م

یک شیوه برخورد همدلی و حمایتی به روان‌درمانی به افرادی که فوگ تجزیوی را تجربه کرده اند کمک می‌کند تا احساس امن کنند و برای تداوی آماده باشند. پروسه درمانی ممکن است شامل ایجاد مهارت های مقابله ای سالم باشد که به افراد کمک می‌کند تا تخنیک یا سترس و درد روانی را بطور مؤثر تری مدیریت کنند. سائر اشکال درمانی مانند درمان ادراکی – رفتاری و شرایط رفتاری دیالکتیکی؛ طور مثال مریضان مبتلا به اضطراب یا تخنیک که ممکن است از ادویه جات که آن شرایط را هدف قرار می‌دهند منفعت ببرند.

- [1]. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Publishing. 2013.
- [2]. Coons, P. M. Psychogenic or dissociative fugue: a clinical investigation of five cases. Psychological reports, 84(3), 881-886. 1999.
- [3]. Jha, M., & Sharma, V. Dissociative fugue disorder: Identification and psychological intervention. Psychological Studies, 60 (1), 17-24. 2015.

بقیه دارد

## فصل دهم

### ساختار های معاصر برای دیموکراسی ها



### آرشیف: مقالات پوهاند بشیر احمد زکریا

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ